



بررسی شیوه های تربیتی والدین و تاثیر آن بر آسیب های اجتماعی در دانش آموزان مقطع متوسطه

اول شهرستان میناب

عذرا زائری، طاهره اسلامی نژاد

دانشجوی کارشناسی ارشد مشاوره و راهنمایی، گروه مشاوره، دانشگاه آزاد اسلامی واحد کرمان. کرمان. ایران.

گروه مشاوره، دانشگاه آزاد اسلامی واحد کرمان. کرمان. ایران.

چکیده

هدف از انجام این پژوهش بررسی شیوه های تربیتی والدین و تاثیر آن بر آسیب های اجتماعی در دانش آموزان مقطع متوسطه اول شهرستان میناب در سال ۱۳۹۵ بوده است. پژوهش حاضر پیمایشی و از نوع همبستگی بوده است. جامعه آماری این پژوهش شامل کلیه دختران مقطع متوسطه دوره اول شهر میناب به تعداد ۱۰۳۵۰ نفر در سال ۹۵ مشغول به تحصیل می باشند. نمونه پژوهش حاضر براساس فرمول کوکران به روش نمونه گیری تصادفی خوشه ای به تعداد ۳۷۰ نفر تعیین شد. ابزار این پژوهش پرسشنامه های شیوه فرزند پروری بامریند (۱۹۹۷)، پرسشنامه سنجش نگرش به آسیب های اجتماعی دانشگاه تهران (۱۳۸۵) بوده است. برای تجزیه و تحلیل داده ها از آزمون همبستگی پیرسون و رگرسیون چند متغیره استفاده گردید. یافته های پژوهش نشان داد بین شیوه های فرزند پروری با آسیب اجتماعی رابطه مثبت و معناداری وجود دارد. در میان ابعاد شیوه های فرزند پروری والدین، بعد استبدادی بیشترین رابطه را با آسیب های اجتماعی نسبت به ابعاد دیگر دارد.

کلیدواژه ها: شیوه های تربیتی والدین، آسیب اجتماعی.

هیچ جامعه ای نمی تواند ادعای سلامت کند چنان چه از خانواده هایی سالم برخوردار نباشد. بی هیچ شبهه هیچ یک از آسیب های اجتماعی نیست که فارغ از تأثیر خانواده به وجود آمده باشد. خانواده اساسی ترین نهاد جامعه پذیر کردن کودکان به ویژه در سالهای حساس اولیه زندگی است. خانواده تحت شرایط صحیح، کودکان را آماده می سازد تا توانایی های بالقوه خود را شناسایی کنند و به عنوان افراد بالغ، نقشهای سودمندی را در جامعه به عهده گیرند. اما در خانواده های ناسالم میزان بروز رفتارهای پرخطر بیشتر می باشد.

رفتارهای پرخطر، رفتارهایی هستند که سلامت و بهزیستی نوجوانان و جوانان را در معرض خطر قرار می دهد. رفتارهای پرخطر به دو گروه تقسیم می شوند، گروه اول شامل رفتارهایی می شوند که بروز آنها سلامت خود فرد را به خطر می اندازد و گروه دوم رفتارهایی هستند که سلامت و تندرستی دیگر افراد جامعه را تهدید می کند. لذا، از آنجایی که میزان خطرپذیری نوجوانان و جوانان نسبت به دیگر دوره های سنی بالاتر است، گرایش بیشتری به این نوع رفتارها دیده می شود. جمله رفتارهای پرخطری که برای دیگران تهدید کننده می باشد می توان به رفتارهای ضداجتماعی مثل دزدی، پرخاشگری، گریز از مدرسه، فرار از خانه و رفتارهای جنسی و از جمله رفتارهای پر خطری که برای خود فرد خطر زا می باشد می توان به مصرف الکل، مصرف سیگار و روابط جنسی نامطمئن اشاره کرد. بنابراین خانواده هایی که از دانش و آگاهی کافی در زمینه ارتباط با نوجوانان برخوردارند، فرزندانشان کمتر به رفتارهای پرخطره گرایش پیدا خواهند داشت.

در واقع خانواده اولین محیط تربیتی رشد کودک است و با اینکه در طول زمان، بسیاری از کارکردهای خود را به نهادهای مختلف اجتماعی محول نموده، اما هیچ نهادی تاکنون نتوانسته است، مهم ترین کارکرد آن را که پرورش و تربیت فرزندان است، به طور کامل به عهده بگیرد. اهمیت تأثیر خانواده بر رشد فرد به قدری است که همه نظریه های موجود، توجه خود را بدان معطوف نموده اند. دیدگاه بیولوژیایی - فیزیولوژیایی به شباهت فرزند به والدین به لحاظ زیستی توجه دارد و تربیت وی را در محیط خانواده، سبب شباهت او به ایشان می داند. نظریه روان پویایی به تأثیر قاطع والدین در شکل گیری شخصیت کودک در پنج سال اولیه رشد، اشاره دارد. نظریه یادگیری رفتاری - اجتماعی که همه گونه رفتار آدمی را به یادگیری های او نسبت می دهد نیز به محیط خانواده، توجه زیادی دارد. نظریه یادگیری مشاهده ای نیز که رفتار فرد را حاصل مشاهده رفتار دیگران می داند، به نقش والدین به عنوان اولین الگوهای کودک توجهی خاص دارد. دیدگاه شناختی هم که هرگونه رفتار را نتیجه تعبیر و تفسیر اطلاعاتی می داند که فرد از محیط خارج دریافت می کند، معتقد است که معنی دادن به وقایع زندگی را اولین بار، کودک در محیط خانواده می آموزد. سرانجام، رویکرد مربوط به نظام خانواده نیز توجه زیادی به الگوهای روابط خانوادگی مبذول می دارد. اگر به تأثیر خانواده در شکل گیری شیوه های فرزند پروری نظری بیاندازم متوجه می شویم که بچه ها از طریق روابط تأثیر گذاری و تأثیر پذیری می شوند و در واقع این کانون گرم خانواده است که انسانها و افراد را می سازد و این ساختن ها در کودکی بیشتر است و در دوران حساس زندگی خود زیر سلطه پدر و مادر است (هیلگارد، ۱۳۷۹)

منظور از شیوه های تربیتی، روش هایی است که والدین برای تربیت فرزندان خود به کار می گیرند و بیانگر نگرش هایی است که آن ها نسبت به فرزندان خود دارند و شامل اصول و قوانینی است که برای فرزندان خویش وضع می کنند. رفتارهای فرزند پروری به واسطه فرهنگ، نژاد و گروه های اقتصادی تغییر می کند. چگونگی رفتار و شیوه های فرزند پروری والدین تأثیر مستقیم بر روی کودک و حالات هیجانی و رفتارهای آینده او دارد و سلامت روان فرزندان را تحت تأثیر قرار می دهد. شیوه های فرزند پروری صحیح باعث ایجاد نتایج مثبت در فرزندان و افزایش سطح سازگاری، مسئولیت پذیری و انگیزش در رسیدن به اهداف می گردد. در سایه ارتباط سالم است که می توان نیازهای فرزندان را شناخت و نسبت به تأمین و ارضای آنها همت گماشت. خانواده نخستین پایگاهی است که کودک در آن اجتماعی شدن را یاد می گیرد. بسیاری از ناراحتی های روحی و روانی فرزندان در اثر رفتارها و باورهای والدین به وجود می آید که زمینه ساز مشکلات عمده ای در زندگی آنان خواهد شد اگر منشاء مشکلات بزرگسالان دچار ناراحتی های روحی را جستجو کنیم بدون شک یک از مبانی که به آن می رسیم همان شیوه های تربیتی نادرست والدینشان است (مهر افزا، ۱۳۸۳؛ به نقل از نائینی فرد، ۱۳۹۰)

به طور کلی سه شیوه تربیتی مطرح است که عبارتند از: مستبدانه، سهل گیرانه، مقتدرانه.



والدین مقتدر گرم و صمیمی می باشند ولی در عین حال بر آنچه فرزندان نشان انجام می دهند کنترل دارند. آنها برای خواسته هایی که از فرزندان خود دارند از دلایل و توضیحات منطقی استفاده می کنند. والدین قاطع به صورت گرم و صمیمی توصیف شده اند در عین حال که بر آنچه که کودکان نشان انجام می دهند کنترل دارند. آنها برای خواسته هایی که از فرزندان خود دارند، از دلایل و توضیحات منطقی استفاده می کنند. این والدین تلاش دارند که به فرزندان خود گوشزد نمایند که رفتار آنها چه تأثیری بر دیگران می گذارد.

والدین سهل گیر سعی دارند برای کودکان خود، محیطی گرم، آرام و پذیرا به وجود آورند. خواسته های اندکی از فرزندان خود دارند و بر آنچه آنها انجام می دهند کنترل و نظارت ندارند. این والدین به فرزندان خود آزادی بیش از حد می دهند و خطای آنها را نادیده می گیرند. والدین مستبد فاقد گرمی و صمیمیت در روابط خود با فرزندان هستند، انتظار دارند که فرزندان، خواسته ها و تقاضاهای آنها را بدون بحث و بی چون و چرا برآورده کنند. در این خانواده ها به کودکان اجازه ابراز عقیده داده نمی شود و فرصت کمی برای تفکر درباره موقعیتها یا به کارگیری استدلال وجود دارد (یوسفی، ۱۳۸۶). در قلمرو تربیت و ارتباط بین والدین و فرزندان، گاه رفتارهایی از والدین سر می زند که بر فرزندان تأثیرات منفی دارد. این گونه رفتارها را می توان روشهای آسیب زا نامید که در شکل گیری خود پنداره منفی در فرزندان تأثیر دارد (قائمی مقدم، ۱۳۸۸)

بر این اساس ارتقای سلامت روان و سلامت اجتماعی نوجوانان از مباحث مهم کشورهای مختلف جهان خصوصا در مورد نوجوانان دختر می باشد. کسانی که در آینده نقش های مهم همسری و مادری را بر عهده دارند و این گروه از افراد جامعه به عنوان یک مجرا و کانال می توانند ترویج دهنده مسایل مربوط به ارتقای سلامت خود، خانواده و بالتبع جامعه باشند. لذا پژوهش حاضر بر آن است تا بررسی نماید آیا بین شیوه های فرزند پروری (تربیت والدین) با آسیب های اجتماعی در دانش آموزان رابطه معنا دار جود دارد؟

روش پژوهش

روش پژوهش حاضر پیمایشی است جامعه آماری شامل کلیه دختران مقطع متوسطه دوره اول شهر میناب به تعداد ۱۰۳۵۰ نفر در سال ۹۴-۹۵ مشغول به تحصیل می باشند. نمونه پژوهش به روش نمونه گیری تصادفی خوشه ای و با استفاده از فرمول کوکران به تعداد ۳۷۰ نفر به عنوان نمونه آماری تعیین شد.

ابزار پژوهش

پرسشنامه شیوه های فرزند پروری دیانا بامریند

این پرسشنامه در سال ۱۹۷۲ توسط دیانا بامریند طراحی شد. ۳۰ پرسش این پرسشنامه سه شیوه فرزندپروری را می سنجد؛ ۱۰ پرسش، شیوه مقتدرانه، ۱۰ پرسش، شیوه مستبدانه و ۱۰ پرسش، شیوه سهل گیرانه. الگوی پاسخدهی به پرسشها از مقیاس ۵ درجه ای لیکرت است. این پرسشنامه در پژوهشهای متعددی مورد بررسی قرار گرفته و اعتبار و روایی آن در حد مطلوبی گزارش شده است. بوری (۱۹۹۱)، از روش باز آزمایی، پایایی این ابزار را در مادران و پدران برای شیوه سهل گیرانه به ترتیب ۸۱ و ۷۷ درصد و برای شیوه مقتدرانه ۷۸ و ۸۵، شیوه استبدادی ۸۶ و ۷۷، برای شیوه سهل گیرانه ۸۱ و ۷۸ درصد گزارش کرده است. وی همچنین روایی تشخیصی این پرسشنامه را معتبر گزارش کرده است. بر این اساس روش استبدادی مادر رابطه معکوس با سهل گیری (۰/۳۸-)، روش قاطع و اطمینان بخش (۰/۴۸-) و مستبد بودن پدر نیز رابطه معکوسی با سهل گیری (۰/۵۰-) و قاطع و اطمینان بخش (۰/۵۲-) دارد. در ایران نیز اسفندیاری (۱۳۷۴) روایی و پایایی این پرسشنامه را مطلوب گزارش کرده است. در این پژوهش روایی محتوایی این ابزار توسط ده متخصص قابل قبول گزارش شده است. در پژوهش حاضر آلفای کرنباخ این پرسشنامه ۰/۷۲ بوده است.

ویژگی های روانسنجی

این پرسشنامه قبلا توسط اسفندیاری (۱۳۷۴) و رضایی (۱۳۷۵) مورد استفاده قرار گرفته و این محققان اعتبار و پایایی خوبی را در مورد آن گزارش نموده اند.

کلید پرسشنامه :

زیرمقیاس شیوه آزادگذاری (۱۰ عبارت): ۱، ۶، ۱۰، ۱۳، ۱۴، ۱۷، ۱۹، ۲۴، ۲۸، ۲۹

زیرمقیاس شیوه استبدادی (۱۰ عبارت): ۲، ۳، ۷، ۹، ۱۲، ۱۶، ۱۸، ۲۱، ۲۵، ۲۶

زیرمقیاس شیوه اقتدار منطقی (۱۰ عبارت): ۴، ۵، ۸، ۱۱، ۱۵، ۲۰، ۲۲، ۲۳، ۲۷، ۳۰

پرسشنامه سنجش نگرش به آسیب های اجتماعی

با هدف بررسی و ارزیابی نگرش دانش آموزان پیرامون بعضی از آسیب های اجتماعی در قالب ۴۲ سوال ۵ گزینه ای از کاملاً موافق تا کاملاً مخالف تهیه و تنظیم شده است. آسیب های اجتماعی که در این پرسشنامه مورد نظر بوده است شامل سرقت- پرخاشگری- مواد مخدر- مسائل جنسی- خودکشی و فرار از خانه بوده است.

نمره گذاری پرسشنامه

نمره گذاری پرسشنامه سنجش نگرش به آسیب های اجتماعی براساس طیف لیکرت و به صورت زیر درجه بندی شده است:

کاملاً موافق	موافق	بی نظر	مخالف	کاملاً مخالف
۵	۴	۳	۲	۱

بر اساس این روش از تحلیل شما نمره های به دست آمده را جمع کرده و سپس بر اساس جدول زیر قضاوت کنید. توجه داشته باشید میزان امتیاز های زیر برای یک پرسشنامه است در صورتی که به طور مثال شما ۱۰ پرسشنامه داشته باشید باید امتیاز های زیر را ضربدر ۱۰ کنید. مثال: حد پایین نمرات پرسشنامه به طریق زیر بدست آمده است. تعداد سوالات پرسشنامه * ۱ = حد پایین نمره

حد پایین نمره	حد متوسط نمرات	حد بالای نمرات
۴۲	۱۵۴	۲۱۰

- در صورتی که نمرات پرسشنامه بین ۴۲ تا ۸۵ باشد، نشان دهنده ی منفی بودن نگرش به آسیب های اجتماعی می باشد.
 - در صورتی که نمرات پرسشنامه بین ۸۵ تا ۱۵۴ باشد، نشان دهنده ی متوسط بودن نگرش به آسیب های اجتماعی می باشد.
 - در صورتی که نمرات ۱۵۴ به بالا باشد، نشان دهنده ی مثبت بودن نگرش به آسیب های اجتماعی می باشد.
- آلفای کرونباخ یا همسانی کلی سوالات این پرسشنامه توسط اساتید دانشگاه تهران ۰/۸۵ بدست آمده است.

یافته های پژوهش

جدول ۱. تحلیل رگرسیون چند متغیره شیوه های فرزند پروری والدین روی کاهش آسیب های اجتماعی و رفتارهای پرخطر

متغیر	نوع آزمون	ارزش	آماره F	درجه آزادی	درجه آزادی	P- مقدار
				فرضیه	خطا	
شیوه های فرزند پروری والدین	لامبدای ویلکز ^۱	۰/۳۳۹	۳۴/۴۵۵ ۷	۲/۰۰	۳۵۷/۰۰	۰/۰۰۱

¹ Wilks' Lambda

		کاهش آسیب‌های اجتماعی			متغیر
		پیرسون			
نوع رابطه		فراوانی	P - مقدار	ضریب همبستگی	استبدادی
مستقیم		۳۶۳	۰/۰۰۱	۰/۷۵۲	

جدول ۶. بررسی رابطه بین اقتدار منطقی در برابر کاهش آسیب‌های اجتماعی

		کاهش آسیب‌های اجتماعی			متغیر
		پیرسون			
نوع رابطه		فراوانی	P - مقدار	ضریب همبستگی	اقتدار منطقی
مستقیم		۳۶۳	۰/۰۰۱	-۰/۷۴۱	

بحث و نتیجه گیری

فرضیه پژوهش: "بین شیوه‌های فرزند پروری والدین با آسیب‌های اجتماعی در دانش آموزان رابطه معناداری وجود دارد." یافته‌های پژوهش نشان داد بین شیوه‌های فرزند پروری با آسیب اجتماعی رابطه مثبت و معناداری وجود دارد. در میان ابعاد شیوه‌های فرزند پروری والدین، بعد استبدادی بیشترین رابطه را با آسیب‌های اجتماعی نسبت به ابعاد دیگر دارد.

ابوالقاسمی و همکاران (۱۳۹۴)، ظفر پناهی (۱۳۹۳)، بهادری (۱۳۹۲)، محمدخانی و همکاران (۱۳۹۰)، حسین زاده و همکاران (۱۳۸۸)، صمدی و دوابی (۱۳۸۹)، فراهانی (۱۳۸۴)، رحمتی و همکاران (۱۳۸۶)، بیغم (۱۳۸۷)، کوپر اسمیت (۱۹۹۷)، رومرو و همکاران (۲۰۱۰)، ویلدر^۳ و ورات (۲۰۱۴)، هیودی^۴ و همکاران (۲۰۱۵) همسو و همخوان می باشد.

در تبیین فرضیه بالا می توان گفت والدین در سلامت اجتماعی فرزندان نقش مهمی دارند. برای اینکه بچه‌ها از سلامت مطلوب اجتماعی برخوردار باشند لازم است الگوهای رفتاری بزرگسالان، بیش از هر چیز نگرش مثبت به افراد مختلف و فعالیت‌های اجتماعی در ایشان ایجاد کند و این مهم انجام نخواهد شد مگر رفتار مهربانانه، صمیمی و دوست داشتنی والدین.

زمانی که الگوهای بزرگسالان چون پدر و مادر همواره رابطه ای صمیمی و عاطفی با کودک برقرار کنند و تعادل اجتماعی را با همراهی و همکاری و بازی و نشاط توأم سازند، آمادگی نوجوان برای سازگاری بیشتر در جامعه می شود (عامری، ۱۳۸۷).

پژوهش‌ها نشان می دهد نوجوانانی که والدین آنها جز رفتار آمارانه و تحکم آمیز رفتار دیگری با ایشان ندارند، به لحاظ همین تجارب ناخوشایند و تنفر انگیز چندان تمایلی برای سازگاری مناسب در جامعه نشان نمی دهند. اضطراب، کمرویی، عصبانیت و پرخاشگری والدین از آفات سلامت روان نوجوانان می باشد.

³ Vilder

⁴ Hiyodi

احساس امنیت عاطفی از مهمترین عواملی است که بر سلامت روان نوجوان تاثیر مثبت می گذارد. پدر و مادر و سایر افراد خانواده باید طی یک دوره طولانی از مراقبت پایدار و واقعی، این نیاز فرد را برآورده کند. احساس امنیت از طریق محبت کردن به نوجوان و تایید او حاصل می شود. نوجوان باید احساس کند که صمیمانه دوستش دارند و او را به عنوان یک فرد تایید می کنند. او در صورتی می تواند نگرش مثبت و پایدار نسبت به زندگی داشته باشد که محبت و تایید پایداری از طرف خانواده به دست آورد (سیف و همکاران، ۱۳۸۳).

والدین دارای الگوی رفتاری قاطع و اطمینان بخش در امر تربیت کودک خود کنترل و گرمی زیاد، والدین مستبد، کنترل زیاد و گرمی کم و والدین سهل گیر، کنترل کم و گرمی زیاد اعمال می نمایند. هر کدام از شیوه های فرزندپروری پیامدهای متفاوت دارد. شیوه فرزندپروری مستبدانه در دوران کودکی باعث می شود که در نوجوانی مضطرب، ناشاد، ناسازگار بار بیاید. شیوه فرزندپروری سهل گیر در کودکی باعث می شود در نوجوانی تکانشی، نافرمان، سرکش و متوقع و وابسته بار بیاید و عملکرد ضعیفی در مدرسه از خود نشان دهد.

والدین سهل گیر، هیچ گونه کنترلی بر روی کودکان خود ندارند و این کودکان کمترین میزان اعتماد به نفس، کنجکاوی و خود کنترلی را در هر گروهی از خود نشان می دهند و در کنترل تکانه و تشخیص و تشخیص ارزش ها از ضد ارزش ها مشکل دارند. والدینی که در تعامل با کودک بر بعد محبت تکیه می کنند دارای نگرش های پذیرا هستند. والدین پذیرا فکری کنند که فرزندان خصوصیت های پذیرای بسیاری دارند و اگر والدین کودک راهمانطور که هست بپذیرند دوست داشته باشند این پذیرش در تصویری که کودک از والدین خود در مراحل اولیه رسیدن به خود آگاهی پیدامی کند موثر است (ماسن^۵، ۱۳۸۸).

همین طور والدینی که محبت خویش را ابراز می کنند کودک را نیز تشویق می کنند تا احساسات خود را بروز دهد و نقطه مقابل پذیرش عدم پذیرش کودک است که در وضعیت افراطی آن مبدل به طرد کودک می شود، کودکان متعلق به این نوع تعامل از عشق و علاقه و احترام کافی والدین خویش برخوردار نبوده اند.

منابع فارسی

ازاده محمدی، ع؛ و احمدآبادی، ز. ۱۳۸۸. موقعی رفتارهای پرخطر در بین نوجوانان دبیرستانهای شهر تهران. فصلنامه خانواده پژوهی، ۱۴(۴). ۲۵-۳۶.

آجیلچی، ب. (۱۳۸۸). نقش شیوه های فرزند پروری در پیش بینی افکار اضطرابی و علایم وسواسی فکری و عملی نوجوانان، مجله علمی پژوهشی دانشگاه علوم پزشکی شهید صدوقی یزد، دوره ۲۰، شماره ۱. صفحه: ۳۸-۳۹.

انجمن روان پزشکی آمریکا (۱۳۸۴). راهنمای تشخیصی و آماری اختلا لهای روانی، جلد اول، مترجمان، محمد رضا نیکخو و همکاران، چاپ اول، تهران: انتشارات سخن.

برجلی، ا (۱۳۸۹). رابطه الگوهای فرزندپروری والدین با تحول روانی اجتماعی فرزندان، رساله دکتری، رشته روان شناسی دانشگاه علامه طباطبایی.

بیغم، ح (۱۳۸۹). رابطه بین رفتارهای پرخطر و شیوه های فرزند پروری اقتدار منطقی، آزادگذاری و استبدادی. پایان نامه کارشناسی ارشد، انستیتوی تحقیقات روان پزشکی تهران.

پاشا شریفی، ح (۱۳۸۰). اصول روان سنجی و روان آزمای، ی تهران: انتشارات رشد.

توکلی، ح (۱۳۸۶). درآمدی برهوش معنوی. فصلنامه معنا، ویژه نامه روانشناسی دین، شماره ۲.

دادستان، پ (۱۳۸۷)، روانشناسی مرضی تحولی، تهران، سمت



- داعی پور، غ (۱۳۸۷). بررسی شیوه های فرزندپروری مادران کودکان مبتلا به اختلالات رفتاری و مادران کودکان بهنجار و تاثیر آموزش مادران بر اختلال رفتاری کودکان، پایان نامه فوق لیسانس انسیتو روان پزشکی تهران.
- داوودی، ص (۱۳۸۷). مقایسه تاثیر مشاوره گروهی با رویکرد شناختی-رفتاری و رویکرد معنوی بر افسردگی دانشجویان دختر دانشگاه های تهران. پایان نامه دکتری. تهران. دانشگاه تربیت معلم.
- رحمتی، ع، اعتمادی، ا و محرابی، ش (۱۳۸۶). مقایسه میزان اختلالات روانی دختران نوجوان با توجه به شیوه های فرزند پروری والدین در دبیرستان های شهرستان جیرفت. مطالعات روان شناختی، دوره ۳، شماره ۴.
- سیف، س و دیگران. (۱۳۸۳). روانشناسی رشد. تهران: سمت.
- شاداب، ع. (۱۳۸۳). «بررسی اثر ادراک از شیوه های فرزندپروری بر میزان نگرش بدبینانه»، پایان نامه کارشناسی ارشد، (چاپ نشده)، مشهد، دانشکده روان شناسی و علوم تربیتی.
- شفیعی کاهانی، ت (۱۳۸۶). بررسی رابطه ابعاد خانواده با پرخاشگری نوجوانان دختر و پسر در پایه سوم دبیرستان منطقه ۵ تهران در سال تحصیلی ۸۶-۱۳۸۵، پایان نامه کارشناسی ارشد روان شناسی عمومی، دانشگاه آزاد اسلامی رودهن، تهران.
- شریعتمداری، ع (۱۳۸۹). اصول و فلسفه تعلیم و تربیت. تهران: امیرکبیر.
- ظروفی، م. (۱۳۸۹). بررسی رابطه میان ساختار خانواده و اختلالات رفتاری. پایان نامه کارشناسی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد شبستر.
- فتحی آشتیانی، ع (۱۳۹۰). آزمونهای روانشناختی، چاپ ششم، انتشارات بعثت تهران.
- فراهانی، م (۱۳۸۰). پرخاشگری کودکان و ارتباط آن با ساخت خانواده. پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه تربیت معلم تهران.
- ماسن، پاول هنری و همکاران (۱۳۸۸). رشد و شخصیت کودک، ترجمه مهشید یاسایی، چاپ چهارم، تهران: نشر مرکز.
- موتابی، ف (۱۳۸۸). مقیاس افسردگی بک. تهران. انسیتو روان پزشکی تهران.
- موسوی، ا. (۱۳۹۰). خانواده درمانی کاربردی، تهران: انتشارات دانشگاه الزهرا (س)، چاپ دوم
- مولوی، ح (۱۳۸۶). راهنمای عملی در علوم رفتاری اصفهان: انتشارات پویا اندیشه.
- نوابی نژاد، ش. (۱۳۸۷). رفتارهای بهنجار و نا بهنجار. سازمان انتشارات فرهنگی هنر.
- عبدالله زاده، ح و باقر پور، م و بوژ مهرانی، س و لطفی، م. (۱۳۸۸). هوش معنوی (مفاهیم، سنجش و کاربرد آن)، تهران: نشر روانسنجی.
- عظیمی، ز (۱۳۸۵). رابطه بین هوش معنوی و صفات شخصیت در شهر ساری. پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه پیام نور: مرکز بهشهر.
- هیبتی، خ (۱۳۸۱). بررسی شیوه های فرزندپروری والدین و رابطه آن با شیوه های مقابله با استرس دانش آموزان دختر و پسر. پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه شیراز.
- یمینی دوزی سرخابی، م. (۱۳۸۱). تحلیلی بر ناسازگاری دانش آموزان در دوره ابتدایی. فصلنامه تعلیم و تربیت، شماره ۴.
- یوسفی، ح ر و مهران حسینی. د (۱۳۸۶). روان شناسی بلوغ و نوجوانی، مشهد، انتشارات دانشگاه فردوسی.
- زارعی، ا. (۱۳۸۸). بررسی رابطه بین شیوه های فرزندپروری والدین با ارتکاب نوجوان به رفتارهای پرخطر بر اساس مقیاس رابطه بین شیوه های فرزندپروری والدین و رفتارهای پرمخاطره دانش آموزان
- گرچی، ر و همکاران (۱۳۸۹). رابطه بین رفتارهای پرخطر و سلامتی نوجوانان. مجله علمی پژوهشی دانشگاه علوم پزشکی شهید صدوقی یزد.



فتحی، د؛ کشاورزی ارشدی، ف؛ جمالی فیروزآبادی، م؛ (۱۳۹۰). مقایسه میزان اختلالات رفتاری، رفتارهای

سازشی و میزان پیشرفت تحصیلی دانش آموزان استثنایی نظام آموزشی ویژه با نظام آموزشی تلفیقی. فصلنامه توانبخشی. ۱۲(۳): ۴۵-۵۵

Alizadeh, H., & Yari, M. (2006). parenting styles in Iranian families of adolescents with and without conduct disorder. *research on exceptional children*, 6(2), 677-694.

American Psychology Association (APA). (2000) *Diagnostic and Statistical Manual- Text Revision*. Chicago, I. L. Association, p:68.

Baker, J. (2009). *The social skills picture book: teaching play, emotion and*

Balaguru, S. (2004). *Acculturation and its impact on child are Havioral problems: a study of Asian-Indian immigrant families*. Degree: Phd. univercity of Virginia.

Baradoun, P., (2009). *Association between parenting and child behavior problems among Latino mothers and children*. Unpublished

Baron- Cohen, S. Wheelright, S., Cox, A., Baird, G., Charman, T., Swettenham, J., Baumrind D. (1991). *Effective parenting during the early adoiescent transition in P.A.Cown&E.M.Hetherington(eds). Family tranaitons. (Vol.2 PP.111-163). Millsdalenj: Erlbaum.*

Baumrind, D. (1997). *Current patterns of parental authority*. *Developmental Psychology Monographs*, 4, 1-102.

Berg E, Hagichool PA. *Language play in children with autism spectrum disorders: implication for practice*. *Rev Neural*, 27(1):21-31.

Boirey, T. (2009). *Early Maladaptive Schemas and Cognitive Distortions in Psychopa*

Campbell, J. M. (2005). *Diagnostic assessment of Asperger's disorder: A Checklist for autism in Toddlers (CHAT)*, *Journal of Royal Society of Medicine, communication to children with autism*. New York: Future horizons .disorders(4th ed). Washington, DC: Athor.

Duncan, C., Strycker, A., & Duncan, E. (2009). *Exploring Associations in Developmental Trends of Adolescent Substance Use and Risky Sexual Behavior in a High-Risk Population*. *Journal of Behavioral Medicine*, 22 (1), 21-34.